تتبع و نگارش از :
میر عبدالواحد سادات

جناب می عبدالواحد سادات

خالق " قرارداد اجتماعی " را گرامی میداریم :

دوم جولای مصادف به دوصدو چهل و هفتمین سال وفات یکی از تاثیر گزار ترین نمایندگان عصرر وشنگری اروپا و برجسته ترین نقاد آن عصر ژان ژاک روسو است .

اندیشمندی که تفکر او همچنان الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های فکری، سیاسی و اجتماعی در جهان مدرن است.

ژان ژاک روسو (۱۷۱۲–۱۷۷۸ م) یکی از متفکران برجسته عصر روشنگری فرانسه است که اندیشه‌های او تأثیر عمیقی بر فلسفه سیاسی، آموزش و نظریه اجتماعی گذاشت.

زندگی شخصی او پر از فراز و نشیب بود، اما او در قرن هجدهم توانست جایگاه خود را در میان متفکران برجسته فرانسه تثبیت کند. اندیشه‌های روسو در آستانه انقلاب فرانسه شکل گرفت و بسیاری از انقلابیون بعدها او را پیامبر آزادی و برابری خواندند

روسو بنیانگذار دموکراسی مدرن و ناقد اخلاقی قدرت است.

هرچند متفکران پس از او مسیرهای مختلفی را پیمودند، همگی به‌نوعی از نقد او بر نابرابری، جامعه، و مشروعیت الهام گرفته‌اند.

امروزه روسو به‌عنوان بنیان‌گذار نظریه مشارکتی دموکراسی، مدافع اخلاق سیاسی، و منتقد تمدن مدرن شناخته می‌شود.

روسو تأثیر شگرفی بر انقلاب فرانسه داشت. مفاهیمی چون حاکمیت ملی ، برابری شهروندان، و نقد اشرافیت، الهام‌بخش نسل‌های بعدی و شعارهای انقلاب:

آزادی، برابری، برادری گردید .

اندیشه های این فیلسوف بزرگ سویسی به ادامه جان لاک ، توماس هاپس و مونتسکیو ، تحقق ف کراساسی خروج و گزار از وضعیت طبیعی به وضعیت حقوقی و نظام مدنی را در کتاب معروف " قرارداداجتماعی " مطرح ساخت . این خروج از نظر روسو ، گزار از " خود بیگانگی " و دولت خود کا مه (که بهقانون و عدالت ارزش قایل نیست) باید محصول اراده عمومی باشد . اراده آزاد " شهروند " که بر جامعه، سیاست و دولت تاثیر وارد نماید .
روسو که به عدالت باورمند و انرا معیار مشروعیت میداند .

محور اندیشه روسو، بازسازی تصویر انسان در وضع طبیعی است.

چگونه می‌توان از انسان‌هایی که آزاد به دنیا آمده‌اند، جامعه‌ای ساخت که در آن همچنان آزاد باقیب مانند؟

او برخلاف توماس هابز که انسان را در حالت طبیعی موجودی خودخواه و خطرناک می‌دید، معتقد بود که انسان پیش از پیدایش تمدن، موجودی صلح‌طلب، ساده و مهربان بوده است.
به تعبیر او، « **انسان به‌طور طبیعی خوب است، اما جامعه او را فاسد می‌کند.**»

روسو ریشه‌ی اصلی فساد را در پیدایش مالکیت خصوصی می‌بیند. به باور او، اولین کسی که تکه‌زمینی را حصار کشید و گفت:
«این مال من است»، بذر نابرابری، جنگ، رقابت و ستم را کاشت. این دیدگاه، زمینه‌ای مهم برای نقد نظام‌های نابرابر اجتماعی و اقتصادی است.

انسان در طبیعت خوب و بی‌آزار است ، اما با شکل‌گیری تمدن و مالکیت خصوصی، فساد و نابرابری پدیدمی‌آید نقد تمدن و ستایش طبیعت

روسو در رساله‌ی «گفتار در باب نابرابری» تمدن را عامل فساد انسان می‌داند.

او معتقد است که انسان در «وضع طبیعی» موجودی خوب و بی‌آزار است.
اما با پیدایش مالکیت خصوصی، نابرابری، رقابت، حسادت و بی‌عدالتی پدید می‌آید.

در فلسفه سیاسی، روسو را می‌توان نقطه مقابل لیبرالیسم کلاسیک جان لاک و نقطه آغاز دموکراسی مشارکتی دانست.
اندیشه‌ی او همچنین بر متفکرانی بزرگ چون کارل مارکس، هگل، هابرماس و بسیاری از نظریه‌پردازان عدالت اجتماعی اثر گذاشت.

بر خلاف هابز یا لاک، روسو به دموکراسی مستقیم باور دارد، نه حکومت نمایندگان

روسو ، ما را دعوت می‌کند به بازاندیشی در باب این پرسش که:
«آیا آزادی، تنها در فردگرایی و مالکیت معنا دارد؟ یا در مشارکت، برابری و همبستگی اجتماعی؟»

روسو در اثر دیگر خود " در باره قانون " به بسط نظریات در باره آزادی و قانون میپردازد و قانون را مبیناراده عمومی میداند که به " آزادی " معنی می بخشد .
قانون که ناشی از اراده فردی و جدا از مفاهیم حق و عدالت باشد ، از نظر او قانون پنداشته نمی شود.
اندیشه های روسو که واضع اصطلاح " حقوق بشر " است ، بر انقلابات کبیر فرانسه و امریکا تاثیر سترگ داشته است .

قرارداد اجتماعی (Contract Social) مهم‌ترین اثر روسو در فلسفه سیاسی است.
روسو بر این باور است که انسان‌ها برای زندگی جمعی باید قراردادی اجتماعی ببندند.
در این قرارداد، افراد آزادی طبیعی خود را واگذار می‌کنند تا به آزادی مدنی برسند.
اراده عمومی مفهوم محوری در نظریه سیاسی روسو است، جوهر اصلی حاکمیت است و باید اراده کل جامعه را بیان کند، نه اراده اکثریت یا اقلیت.

آزادی نزد روسو نه صرفاً رهایی از اجبار، بلکه زیستن بر اساس قوانینی است که انسان خود برای خود وضع می‌کند.
در چارچوب قرارداد اجتماعی، آزادی به معنای اطاعت از اراده‌ای است که خود فرد در تدوین آن نقش داشته است

دین مدنی و نظم اجتماعی :

روسو در پایان کتاب قرارداد اجتماعی به مفهومی مهم به نام دین مدنی اشاره می‌کند.
از نظر او، جامعه نیازمند ارزش‌هایی اخلاقی و مشترک است که مردم را به وفاداری به قانون و خیر جمعی تشویق کند.
او با دین وابسته به قدرت سیاسی مخالف بود، اما به نوعی معنویت جمعی برای حفظ همبستگی اجتماعی می اندیشید .

ژان ژاک روسو فیلسوفی است که در تقاطع اخلاق، سیاست، آموزش و آزادی ایستاده است

روسو متفکری است که آزادی، برابری، اخلاق، آموزش و جامعه‌ی عادلانه را در چارچوبی نوین تعریف کرد. اندیشه‌های او هم بر انقلاب فرانسه تأثیر گذاشت و هم بر نظریه‌پردازان مدرن دموکراسی، آموزش و جامعه‌شناسی سیاسی

درین کسوف تاریخ و در فقدان نظام قانون مند در افغانستان ، مطالعه آثار این فیلسوف و بانی نظری هقرارداد اجتماعی که تکامل " قرارداد دولت "
توماس هاپس و هم در مقابل آن می باشد ، حایز اهمیتبزرگ برای علاقمندان علوم سیاسی ، طرف داران حاکمیت قانون و نظام قانونمند می باشد .
منحیث حسن ختام این مختصر ، چند سخن وخشورانه فیلسوف بزرگ عصر روشنگری را مرور می نماییم:

روسو می‌گوید:
«آزادی یعنی اطاعت از قانونی که خود آن را وضع کرده‌ام.»

- اندیشه های صرفاً ذهنی و کلی ،منشا بزرگترین خطاهای بشرند.
-هر کس لطف بهار میخواهد باید دشواری زمستان را تحمل کند
- ایمان داشتن به توانایی های خویش ، نیمی از موفقیت و کامیابی است .
- انسان آزاد آفریده شده است اما همیشه در زنجیری است که خود بافته است.

«آموزش باید به رشد فردیت و آزادی انسان کمک کند.»
- میتوان حقیقتی را دوست نداشت ، اما نمیتوان منکر آن شد
- بزرگترین تفاوت انسان و حیوان ،فهم و اندیشه نیست ،بلکه اراده و اختیار اوست .
«انسان آزاد زاده می‌شود، اما همه‌جا در زنجیر است».

با حرمت